



## یافته‌های کانگرس امریکا:

# پاکستان حکومت ضعیف به رهبری یک قوم را در افغانستان ترجیح می‌دهد

صفحه ۶

زیادی در افغانستان وجود دارد، اما پیشرفت‌ها نیز قابل ملاحظه هستند، اکنون نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان وظیفه‌ی را که بیش از یک صد هزار نظامی خارجی در سال‌های گذشته پیش می‌بردند، برعهده دارند، این پیام واضح ما برای طالبان است که این گروه در میدان‌های نبرد نمی‌توانند برنده باشند، لذا باید به میز مذاکره حاضر شده و جنگ را از طریق رسیدن به یک توافق سیاسی پایان دهند.

همزمان دبیرکل ناتو بار دیگر با پشتیبانی از نیروهای امنیتی افغانستان تاکید کرده و گفته است: «بهترین راهکار برای مبارزه با هراس‌افگنی در افغانستان آموزش و پشتیبانی از نیروهای امنیتی افغانستان است. کشورهای عضو ناتو بر آموزش و پشتیبانی از این نیروها ادامه می‌دهند.»

از سوی هم نخست وزیر آلمان در دیدار با وزیر خارجه آمریکا از آماده‌گی کشور برای بازی کردن یک نقش فعال در حل مشکلات جهان از جمله منازعه افغانستان خبر می‌دهد.

انگلا مرکل نخست وزیر آلمان گفته است: «آلمان می‌خواهد در حل مشکلات جهانی به شمول افغانستان نقش فعال داشته باشد، همکاری‌های مشترک با آمریکا برای حل این مشکلات خیلی با اهمیت است، ما آماده همکاری با آمریکا در پیوند به حل این چالش هستیم.»

پیش از این حکومت فدرال آلمان بر یافتن راه حل سیاسی جنگ جاری در افغانستان تاکید کرده و اعلام آماده‌گی کرده بود که برای انجام گفت‌وگوهای بین‌الافغانی زمینه‌سازی خواهد کرد.

## دبیر کل ناتو:

### در افغانستان می‌مانیم



دبیرکل ناتو در سفرش به آلمان می‌گوید، تا زمانی که طالبان دست از خشونت برندارند، ناتو در افغانستان باقی خواهد ماند. همزمان باین، نخست وزیر آلمان می‌گوید که برلین آماده است تا یک نقش فعالی برای حل مشکلات جهان از جمله منازعه جاری در افغانستان بازی کند.

دبیرکل ناتو که برای اشتراک در مراسم سی‌ومین سال فروپاشی دیوار برلین به آلمان رفته می‌گوید که طالبان از طریق نظامی نمی‌توانند نیروهای امنیتی افغانستان را شکست دهند.

ینس استولتنبرگ می‌گوید: «مشکلات و چالش‌های



### از دوازدهمین سالروز شهادت مصطفی کاظمی یادبود شد

صفحه ۳



### کمیسیون انتخابات خلاف قانون رفتار می‌کند

صفحه ۳

سیگار:

## د افغانستان حکومت د نشه یی موادو لوی قاچاق کوونکي نه نیسي



د سیگار اداره د افغانستان پر حکومت له دې امله انتقاد کوي چې د نشه یی موادو لوی قاچاق کوونکي نه نیسي.

د امریکا دفاع وزارت د افغانستان د بیارغونې د څار امریکایي بنسټ یا سیگار ته ویلي چې څو اونه له نشه یی موادو سره د مبارزې توان لري او د امریکایي نظامي څواکوونو مرستې ته اړتیا نه لري.

سیگار په خپله ارزونه کې د امریکا د عدلیې وزارت د راپور له مخې وایي چې افغان حکومت د نشه یی موادو لوی قاچاق کوونکي نه نیسي او یو شمېر زورواکي د نشه یی موادو په قاچاق کې لاس لري.

د کورنیو چارو وزارت معین محمد هاشم اورتاق...

مخ ۶

نی:

## در ۵ سال پسین نشرات ۲۲۵ رسانه متوقف شده است

افغانستان (نی) اعلام کرد که در طی پنج‌سال گذشته تاکنون حدود ۲۲۵ رسانه در افغانستان مسدود شدند که دلیل اصلی بسته شدن آنها مشکلات مالی و امنیتی است.

به گفته او: این رسانه‌ها شامل ۷ تلویزیون، ۱۵ رادیو، دو آژانس خبری و ۲۰۰ رسانه چاپی است و ادامه داد که این رسانه‌ها در ولایت‌های کابل، پروان، بدخشان، پکتیا، پکتیکا، لوگر، قندوز، زابل، بلخ، هرات و لوگر فعالیت داشتند.

جعفر راستین، رئیس نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ اما می‌گوید که این وزارتخانه نه طرحی را برای کمک به این رسانه‌ها داشته و نه بودجه‌ی در این رابطه دارد.

به گفته آقای راستین: راهبرد فعالیت رسانه‌ها در افغانستان به گونه‌ی است که هر رسانه باید قادر باشد از منابع خود استفاده کند و به فعالیتش ادامه دهد، در غیر این صورت مجبور به توقف فعالیت‌هایش خواهد بود.

براساس آمارهای رسمی دولت افغانستان که در سال ۲۰۱۸ منتشر شد تعداد رسانه‌ها در افغانستان در این سال به دو هزار ۴۵۵ رسانه می‌رسید. چند روز پیش نشرات یک رادیو خصوصی در ولایت زابل توقف یافت، دلیل این توقف نبود امکانات مالی گفته شده است.



مسئولان اداره حمایت از رسانه‌های آزاد در افغانستان می‌گویند که از آغاز کار حکومت وحدت ملی تاکنون ۲۲۵ رسانه در افغانستان به دلیل مشکلات مالی و یا مسایل امنیتی بسته شده است.

مجیب خلوتگر رئیس اجرایی اداره حمایت از رسانه‌های آزاد در



سخن ماندگار

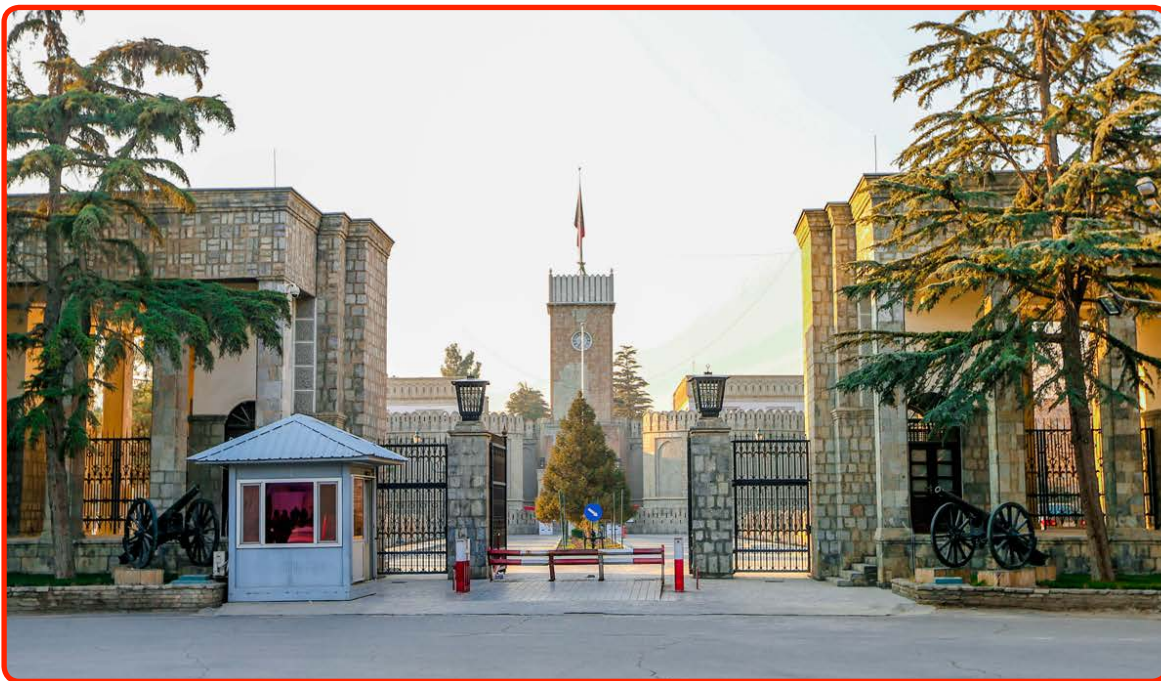
گزارش کانگرس امریکا در مورد سیاست‌های پاکستان در قبال افغانستان به معنای چیست؟

به تازه‌گی کانگرس امریکا گزارشی را نشر کرده‌است که در آن از نحوه رابطه پاکستان با افغانستان پرده برداشته شده‌است. این گزارش در حالی از جانب امریکا نشر نشده است که مردم افغانستان سالهاست قربانی آن سیاست‌های پاکستان اند. در گزارش آمده که پاکستان دهه‌هاست در افغانستان به گونه منفی فعال بوده و به شکل مداوم از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند. این گزارش همچنان گفته است که پاکستان از یک افغانستان با ثبات و امن حمایت نمی‌کند بل یک افغانستان ناامن و همیشه در جنگ را به سود خود می‌داند. این گزارش گفته است که پاکستان به هیچ عنوان از یک حکومت همه‌شمول و با ثبات حمایت نمی‌کند بلکه از حکومتی در افغانستان حمایت می‌کند که همه شمول نبوده و توسط پشتون‌ها اداره شود. این گزارش اداره کانگرس امریکا به صراحت بیان میدارد که پاکستان افغانستانی با حکومت غیر همه‌شمول و زیر کنترل پشتون‌ها را به سود سیاست کلان خویش در منطقه میدانند.

این گزارش امریکا در حالی نشر می‌شود که هنوز نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان مشخص نیست و نیز گفت‌وگوهای صلح میان امریکا و طالبان به جایی نرسیده و نتیجه نداده است. کانگرس امریکا، مهمترین ارگانی که تصامیم آن کشور در سیاست خارجی را مورد نظر قرار می‌دهد، در حالی به نشر گزارشی در مورد سیاست پاکستان در قبال افغانستان دست می‌زند که امریکا در گذشته از چنین برخورد و ابزار نظر صریح در قبال پاکستان خوددرا می‌کرد. اگرچه ظاهراً بارها دولت امریکا پاکستان را به حمایت از تروریسم ملامت کرده‌است؛ اما هیچ‌گاه از عمق سیاست آن کشور در قبال افغانستان به شکل رسمی پرده بر نداشته بود. ادبیاتی که اکنون کانگرس امریکا در برابر پاکستان مطرح کرد، در حقیقت تایید آن ادبیات و گفتمان و واقعیتی است که در افغانستان طی سال‌ها در قبال پاکستان مطرح شده‌است. اما هیچ مرجع معتبری به شمول امریکا و هم سازمان ملل به آن اذعان نکرده بودند. به عبارت دیگر، پاکستان به عنوان کشوری در افغانستان عمل می‌کند که در نظر دارد افغانستان یکی از صوبه‌های آن باشد یا به قیومت آن کشور درآورده شود. به همین دلیل آن کشور سال‌هاست افغانستان را مورد حمله‌های مستقیم و غیر مستقیم خود قرار داده و برای اشغال کاملش کمر بسته است. چنانکه در گذشته اگر مقاومت و پایمردی احمدشاه مسعود، قهرمان ملی در افغانستان، نمی‌بود، کشور ما سال‌ها پیش جزء خاک آن شده بود؛ هدفی که آن کشور در نوزده سال گذشته برای تحقق آن بسیار تلاش کرده و می‌کند. پاکستان از گذشته تا کنون سعی کرده‌است که افغانستان کشوری ضعیف و زیر نظر مهربانی از قوم پشتون باشد که وابستگی مطلق به آن کشور داشته‌باشند اگرچه در ظاهر گاه گاهی مخالف آن هم موضع بگیرند.

شکی نیست که بسیاری از چهره‌های پشتون که خلاف سیاست‌های پاکستان، افغانستان را کشوری برای همه می‌خوانند و به استقلال آن می‌اندیشیده‌اند، از طرف پاکستان ترور شده‌اند و فقط از کسانی حمایت شده‌است که در راستای تطبیق سیاست آن کشور عمل کرده‌است. از طرف دیگر، چیزی که اکنون در گزارش امریکا مطرح شده بارها توسط سیاست‌مداران کلان امریکایی مثل پرویز مشرف و دیگران مطرح شده است. اما خاموشی امریکا در مقابل چنین سیاست‌هایی، طی این همه سال، سبب شده‌است که اهداف پاکستان در افغانستان عمیق‌تر و بحران افغانستان شدیدتر گردد و نیز موفقیت امریکا در افغانستان توسط برخی از مهره‌های امریکایی که در جنب سیاست پاکستان، به سیاست حمایت قومی در افغانستان پرداخته‌اند، به ناکامی منجر شود.

به هر رو، ادامه آن سیاست‌ها در پاکستان و دریافت امریکا از حقیقت ماجرای افغانستان، آن کشور را وادار کرده‌است که برای اولین بار به شکل رسمی گزارشی در سطح کاخ کانگرس و کاخ سفید در مورد پاکستان و مداخله آن کشور در افغانستان نشر کند. شاید یکی از دلایل اصلی نشر این گزارش، وضعیت موجود افغانستان و عدم همکاری لازم پاکستان برای نتیجه دادن گفت‌وگوهای صلح باشد، اما مباحث انتخابات و تلاش برای بقای آقای غنی در نبود رای در قدرت به حمایت احتمالی پاکستان، نیز می‌تواند دلیل دیگری برای نشر این گزارش باشد. اما قصه هرچه که باشد، نشر آن گزارش از کانگرس امریکا این را ثابت می‌کند که سیاست امریکا در قبال پاکستان اندکی متحول‌تر شده است و یا ممکن است که متحول‌تر شود. بنابراین سیاست‌گران کشور باید از این فرصت استفاده لازم را ببرند. اما اکنون با اتیاه از این گزارش کانگرس امریکا، تنها راه حلی معقولی که می‌شود برای افغانستان یافت این است که باید میان افغانستان و پاکستان گفت‌وگوهای سازنده و اساسی صورت بگیرد تا معضل افغانستان حل شود. این البته پیشنهادی است که بارها سیاست‌مداران کشور از جمله احمددولی مسعود به آن تاکید می‌کند.



# صلح ارگ

احمد عمران

گویا ارگ سرانجام موفق شده که بخشی از مدیریت گفت‌وگوهای صلح را با سبوتاژها و فشارهای سیاسی خود بر جریان‌ها و کشورهای دخیل در روند صلح افغانستان در دست گیرد. گزارش‌های اولیه نشان از آن دارند که نشست بیجینگ پس از آن‌که از سوی ارگ سبوتاژ شد، در روزهای آینده برگزار شود. نشست چین در بیجینگ مرکز این کشور زمانی مطرح شد که امریکا دوباره تمایل خود به از سرگیری گفت‌وگوهای صلح را نشان داد. چین اولین کشوری بود که پس از توقف گفت‌وگوهای صلح امریکا با طالبان، آماده میزبانی از طرف‌های مختلف قضیه افغانستان در شهر بیجینگ شد. رای‌زنی‌های لازم صورت گرفت و حتی زمان برگزاری نشست چین نیز مشخص شد. چینی‌ها تصمیم داشتند که نشستی را نظیر نشست دوحه در قطر میان سیاست‌مداران و طالبان که نماینده‌گانی از ارگ نیز در آن حضور داشته باشند، برگزار کنند. طالبان خواهان نشست رو در رو با نماینده‌گان ارگ از این آدرس نیستند اما به حضور افرادی از ارگ که از این آدرس سخن نگویند، مشکلی ندارند. اما نشست بیجینگ چند روزمانده به برگزاری آن به صورت ناگهانی تا زمان نامعلومی به تاخیر افتاد. در آغاز گفته می‌شد که کشور چین بنا به ملاحظاتی در زمان برگزاری نشست، تجدید نظر کرده است؛ اما بعداً معلوم شد که صحبت‌های اشرف غنی رییس حکومت وحدت ملی با وزیر خارجه چین و ملاحظاتی که از سوی ارگ مطرح شده، دلیل اصلی تاخیر نشست بیجینگ بوده است. از نشست بیجینگ البته انتظار زیادی هم برده نمی‌شد و نمی‌شود، همان‌طور که از نشست‌های مشابه در قطر و مسکو چیزی به دست نیامد. اما، ارگ تا این‌جای کار موفق شد که با دور زدن دیگر جناح‌های سیاسی دخیل در مسأله افغانستان که به صورت مستقل در چنین نشست‌هایی دعوت می‌شدند و همین برای شان تا حدی تسلاهی سیاسی به بار می‌آورد، خود سکان بخشی از چنین نشست‌هایی را به دست گیرد. آقای غنی فکر می‌کند، به هر مقدار که نقش ارگ در گفت‌وگوهای صلح پر رنگ‌تر باشد، به نفع او و تیم اش تمام می‌شود. استدلال آقای غنی این است که با به دست گرفتن بخشی از مدیریت صلح، چون به هر حال

بخش اصلی این گفتگوها هیچ وقت در موجودیت حکومت فعلی در اختیار ارگ قرار نمی‌گیرد، می‌تواند برای خود هم تا زمان اعلام نتایج انتخابات، که آن هم هنوز کاملاً زمان آن مشخص نیست، و هم برای تاثیرگذاری بر نتایج آن فرصت خلق کند. مشکل اصلی ارگ همواره این بوده که در گفت‌وگوهای صلح هیچ‌گاهی جدی گرفته نشده است. آقای غنی که از پنج‌سال به این سو طبل صلح‌خواهی اش را به صدا در آورده، حتی یک روز هم به صورت جدی و واقعی به موضوع صلح فکر نکرده‌است. اگر او چیزی در این زمینه در چانه می‌داشت، طرح نخ نمای درهم ریخته هفت ماده‌پی خود را در یک شب نوشته نمی‌کرد. طرحی که اصلاً هیچ حرفی برای گفتن در آن وجود ندارد و به جز تکرار حرف‌های گذشته و کارهایی که تقریباً به صورت ناقص انجام شده، حاوی چیز دیگری نیست.

طرح هفت ماده‌پی آقای غنی را هر شاگرد مکتبی می‌تواند به عنوان مقاله صنفی نوشته کند. اگر او خودش این طرح را نوشته و یا هرکس دیگری برایش نوشته باشد، با این طرح و حرف‌هایی که در آن مطرح شده، صلح وارد فاز تازه و سرنوشت ساز نمی‌شود. این موضوع را شخص آقای غنی هم می‌داند و برای مردم افغانستان هم دیگر فاش شده‌است. به همین دلیل است که می‌بینیم ارگ از مانور دادن پیرامون طرح هفت ماده‌پی آقای غنی اجتناب می‌ورزد و دیگر هیچ رسانه‌یی هم به آن نمی‌پردازد. سخنگویان ارگ استدلال می‌کنند که برخی از جناح‌های سیاسی می‌گویند صلح ضرورت عاجل مردم افغانستان است و به هر بهایی ممکن باید برای به دست آوردن آن کار شود. این استدلال به هیچ صورت دقیق و درست نیست. شاید در میان جناح‌های موجود یکی دو جناح وجود داشته باشند که به دلیل نزدیکی دیدگاه و طرز فکر با طالبان خواهان چنین صلحی باشند؛ اما جناح‌های اصلی موضوع افغانستان هیچ‌گاهی خواهان صلح به هر قیمتی نبوده‌اند، بل اکثریت این جناح‌ها و شخصیت‌ها نگران بوده‌اند که آقای غنی و پیش از او حامد کرزی رییس‌جمهوری پیشین کشور به دلایل سیاسی تباری به صلح با طالبان به هر قیمتی تن دردهند. به همین دلیل، همواره

طرح هفت ماده‌پی آقای غنی را هر شاگرد مکتبی می‌تواند به عنوان مقاله صنفی نوشته کند. اگر او خودش این طرح را نوشته و یا هرکس دیگری برایش نوشته باشد، با این طرح و حرف‌هایی که در آن مطرح شده، صلح وارد فاز تازه و سرنوشت ساز نمی‌شود. این موضوع را شخص آقای غنی هم می‌داند و برای مردم افغانستان هم دیگر فاش شده‌است. به همین دلیل است که می‌بینیم ارگ از مانور دادن پیرامون طرح هفت ماده‌پی آقای غنی اجتناب می‌ورزد و دیگر هیچ رسانه‌یی هم به آن نمی‌پردازد. سخنگویان ارگ استدلال می‌کنند که برخی از جناح‌های سیاسی می‌گویند صلح ضرورت عاجل مردم افغانستان است و به هر بهایی ممکن باید برای به دست آوردن آن کار شود. این استدلال به هیچ صورت دقیق و درست نیست. شاید در میان جناح‌های موجود یکی دو جناح وجود داشته باشند که به دلیل نزدیکی دیدگاه و طرز فکر با طالبان خواهان چنین صلحی باشند

نسبت به آن چه که در ارگ می‌گذرد نگاه انتقادی وجود داشته است و این نگرانی و نگاه انتقادی هنوز هم رفع نشده است. تنها کافی نیست که آقای غنی بگوید که به هر قیمتی با طالبان مصالحه نمی‌کند، چون حرکت‌های او در جهت فربه شدن گروه طالبان چنین ادعایی را ثابت نمی‌کند. وقتی ارگ می‌خواهد که به تبادل زندانیان، آن گونه که خودش مدعی است که از راه قانونی چنین کاری را می‌خواهد با طالبان انجام دهد، خود جای نگرانی دارد. مگر در طول پنج سال گذشته آقای غنی هزاران زندانی خطرناک طالبان را به بهانه حسن نیت برای آغاز گفتگوهای صلح رها نکرد؛ مگر پس از جرگه مشورتی صلح که هیچ پیامدی نداشت، هزاران زندانی گروه طالبان از زندان‌های کشور رها نشدند؟ پیامد چنین اقدام‌هایی به صلح و امنیت نمی‌انجامد؛ چنانچه که قبلاً هم نتیجه‌بخش نبوده‌است.



# از دوازدهمین سالروز شهادت مصطفی کاظمی یادبود شد



شهید کاظمی می‌بود و در روند صلح نقش سازنده می‌داشت.

آقای قانونی در ادامه سخنانش گفت: اگر مقاومت نمی‌بود، امروز صفحه جدید هم در تاریخ کشور ایجاد نمی‌شد. اگر مقاومت نمی‌بود نظام سیاه طالبان در کل کشور مستولی شده و رسمیت می‌یافت و امروز انتخابات و قانون اساسی و خطوط قرمز حکومت نیز وجود نداشت.

آقای قانونی گفت که امروز که مسأله صلح مطرح می‌شود، چهره کاظمی شهید در نظرش مجسم می‌گردد و افسوس می‌خورد که ای کاش او می‌بود و در این راستا نقش سازنده خود را بازی می‌کرد.

از سویی محمد سرور دانش معاون دوم ریاست حکومت وحدت ملی نیز در این برنامه گفت: زنده‌گی شهید کاظمی در هر دو دوره جهاد و مقاومت پر بار بوده است.

آقای دانش افزود: زنده‌گی و شخصیت شهید کاظمی در دوره‌های مختلف چون طالبان و ساختن نظام نوین بسیار مهم و ارزنده بود.

به گفته او، شهید کاظمی توانست در این دوره‌ها به طرح‌های اقتصادی خود در وزارت تجارت و مجلس نمایندگان پردازد و بنیان اقتصاد نوین در کشور را بگذارد.

شهید سیدمصطفی کاظمی و جمعی از همراهانش در تاریخ ۱۵ عقرب سال ۱۳۸۶ زمانی که برای دیدار با مردم و فابریکه قند بغلان، به بغلان مرکزی رفته بود بر اثر حمله انتحاری به شهادت رسید.

در دوازدهمین سالروز شهادت شهید کاظمی در کابل، برادر ارشد وی از حکومت افغانستان خواست تا پرونده ترور آقای کاظمی و همراهان ایشان را به گونه جدی بررسی کند.

روز جمعه ۱۸ عقرب، از دوازدهمین سالروز شهادت سید مصطفی کاظمی و جمعی از همراهان ایشان، در خیمه لویه جرگه یادبود شد.

سیدعلی کاظمی رییس حزب اقتدار ملی و برادر ارشد شهید کاظمی در این مراسم گفت: کارنامه سیاسی شهید کاظمی متعلق به تمام ملت افغانستان است، کاظمی شهید همواره بر وحدت ملی و حفظ دستاوردهای افغانستان نوین تاکید می‌ورزید.

آقای کاظمی از دولت افغانستان خواست تا در بررسی پرونده ترور شهید کاظمی جدیت به خرج دهد تا خانواده‌های شهدای ۱۵ عقرب بدانند که این چهره‌های برجسته از سوی چه کسانی به شهادت رسیده‌اند.

او خاطر نشان کرد: «به حکومت پیشین و فعلی بارها گفته‌ایم که پرونده شهید کاظمی را بررسی کنند و روشنی بیندازند که چرا چنین شد. در تمام کشورها همین رسم است که پس از گذشت چند سال پرونده‌ها باز می‌شود و به مردم گفته می‌شود که چه واقع شده، ولی چرا در افغانستان چنین نیست؟»

آقای کاظمی اضافه کرد: اسناد و شواهد کافی در اختیار دارم، ولی نخواسته‌ام سیستم و نظام را با اقدامات شخصی زیر سوال ببرم.

یونس قانونی معاون پیشین ریاست جمهوری و یکی دیگر از سخنرانان این مراسم با اشاره به زنده‌گی سیاسی و خصوصی شهید کاظمی گفت: کاش امروز

## حقوق دانان:

# کمیسیون انتخابات خلاف قانون رفتار می‌کند

ابوبکر صدیق

این عضو اتحادیه حقوق دانان افغانستان می‌گوید: اعمال کمیسیون انتخابات نشان می‌دهد، این کمیسیون دست‌نشانده است و برای اجرایی کردن کار خاص به نفع تیم خاص روی کار آمده است و این کار بحران‌زا است.

او گفت که کمیسیون انتخابات اکنون کارشیوه شمارش آرای بدون بایومتریک ایجاد کرد، فردا کارشیوه آرای بدون استیکر را می‌نویسید و روزهای دیگر رأی‌های تقلبی و تخلفی را مورد شمارش قرار می‌دهد که خلاف قانون و حقوق است. او کمیسیون‌های انتخابات بحران‌زا می‌داند و می‌گوید که چنین نهادهای در افغانستان زاینده بحران بوده‌اند.

در همین حال، حوا علم نورستانی، رییس کمیسیون انتخابات روز گذشته اعلام کرد: «کمیسیون رأی‌های غیر بایومتریک را باطل می‌شمارد، ولی اول باید صندوق‌ها دوباره دیده شوند». رییس کمیسیون انتخابات از تاخیر در روند بازشماری آرا ابراز نگرانی کرده است و افزوده که این کار در وضعیت کنونی که ما قرار داریم بسیار نگران کننده است. بانو نورستانی گفته که نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان به تاریخ ۲۳ عقرب ماه جاری اعلام می‌شود.

اما مولانا محمد عبدالله، روز جمعه (۱۷ عقرب) به خبرنگاران گفت که با توجه به ظرفیت کاری که و مشکلاتی که پیش رو داریم، اعلام نتایج ابتدایی به تاریخ ۲۳ عقرب ممکن نخواهد بود. این در حالی است که زهره بیان شینواری رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی در ۱۶ عقرب، نقض دوباره تقویم/زمان اعلام نتایج انتخابات را غیر قابل قبول دانست.

همچنان او، به تطبیق نشدن تصمیم‌های کمیسیون شکایات انتخاباتی در پروسه انتخابات اشاره کرده گفت، که فیصله این کمیسیون مبنی بر بازشماری آرای انتخابات ۲ هزار و ۱۱۸ محل رای دهی تاکنون تطبیق نشده و این قابل قبول نیست. همچنان او گفته است که اگر کمپنی درملوک به تعهدات خود با کمیسیون انتخابات عمل نکند، به دادگاه معرفی خواهد شد.

این در حالی که پس از ایجاد کارشیوه جدید و شمارش آرای بدون بایومتریک از طرف کمیسیون انتخابات، نشست‌های پی‌درپی این نهاد با ناظران دسته‌های انتخاباتی نتیجه نداشته است.



عمومی رأی رفتن به شمارش آرای بدون بایومتریک غیر قانونی است. در خیرنامه تیم ثبات و همگرایی، آمده است که به رغم تلاش‌های ما که جهت تفکیک و تصفیه آرای تقلبی از آرای پاک مردم در روشنائی احکام قانون، کارشیوه‌های مربوط، کمیسیون مستقل انتخابات دست از قانون شکنی برنداشته و قبل از تفکیک و تصفیه آرای باطل و بدون بایومتریک و بدون مشخص شدن سقف و تعداد آرای تصفیه شده هر محل، تصمیم گرفته است تا بازشماری آراء را در ولایات آغاز کند.

تیم ثبات و همگرایی این تصمیم انتخابات را یک طرفه دانسته و به همه ستادهای ولایتی و ناظران خویش در ولایات هدایت داده است تا روشن شدن موضوع، از اشتراک در این روند خلاف قانون خودداری ورزند.

در همین حال، عبدالوحید فرزه‌یی، عضو اتحادیه حقوق دانان افغانستان در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید که در کمیسیون انتخابات قانون‌شکنی دنبال می‌شود؛ در تمام نهادها ابتدا به قانون و کارشیوه ساخته شود و بعد مورد عمل قرار گیرد، اما در کمیسیون انتخابات، پس از این‌که به مشکل مواجه می‌شوند، کارشیوه می‌سازند.

آقای فرزه‌یی می‌گوید که این کار کمیسیون انتخابات خلاف قانون است و این کمیسیون ظرفیت کارایی برای اجرایی کردن اعلام نتیجه انتخابات نداشته است.

انتخابات ریاست جمهوری بدتر از انتخابات پارلمانی است. مسوولان کمیسیون انتخابات، امیدهایی که نسبت به انتخابات ایجاد شده بود را از بین بردند و «بدتر» و «گستاخ‌تر» از کمیشنران پیشین، سرنوشت مردم را به بازی گرفته‌اند.

این استاد دانشگاه کابل می‌گوید که کمیشنران جدید ظرفیت و توانایی اعلام نتیجه انتخابات را ندارند. به گفته او، کمیسیون انتخابات زیر فشار نهادهای بیرون و تکت‌های انتخاباتی دولتی قرار دارد.

آقای فریور، همچنان روند انتخابات را سناریوسازی برای ایجاد حکومت موقت می‌داند و می‌گوید که این سناریوی اداره موقت است که از طرف خلیل‌زاد و امثال هم روی دست گرفته شده است.

این در حالی است که حبیب الرحمان، ننگ رییس دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید که آرای نزدیک به ۸ هزار و ۵۰۰ محل رای بازشماری خواهد شد.

دسته‌های انتخاباتی ثبات و همگرایی و برخی دیگر در پیوند به بازشماری آرا اختلاف نظر دارند، ثبات و همگرایی هشدار می‌دهد که تا زمانی که سقف آرا مشخص نشود، باز شماری آرا جنجال برانگیز خواهد شد، اما دسته انتخاباتی دولت ساز بر آغاز بیدرنگ بازشماری آرا تاکید دارد.

دسته انتخاباتی ثبات و همگرایی به رهبری عبدالله عبدالله با شمارش آرای بدون بایومتریک، مخالفت کرده است و گفته در صورت تعیین نشدن سقف

حقوق دانان با اشاره به کارشیوه تازه کمیسیون انتخابات در رابطه به شمارش و بازبینی آرای بدون بایومتریک می‌گویند که ایجاد این کارشیوه خلاف قانون انتخابات و بحران‌زا است.

آنان همچنان نهادهای انتخاباتی را در افغانستان بحران‌آفرین می‌دانند و می‌گویند که همواره بحران از طرف نهادهای و برخی افراد مشخص زاینده می‌شود؛ کمیسیون انتخابات در این نقش قرار گرفته است.

این در حالی است که کمیسیون انتخابات در تازه‌ترین کارشیوه خود خواهان بازشماری آرای بدون بایومتریک شده است. مسوولان در کمیسیون انتخابات گفته‌اند که صندوق‌های آرای بدون بایومتریک مورد بررسی قرار گیرند.

از سویی هم، تیم ثبات و همگرایی شمارش آرای بدون بایومتریک را خلاف قانون انتخابات دانسته و از ناظران خود در ولایت‌های خواسته تا در روند بازشماری آرا اشتراک نکنند.

همچنان، شورای نامزدان انتخابات ریاست جمهوری، در واکنش به آغاز بازشماری و تفتیش آرا می‌گوید که آغاز این روند در موجودیت آن شمار از کارمندان کمیسیون انتخابات، کارمندان حکومت و افراد ذی‌دخل که در انتخابات که تقلب کرده‌اند، صحنه گذاشتن به عمل جرمی این اشخاص محسوب می‌گردد.

موسی فریور، استاد دانشکده حقوق دانشگاه کابل در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: سرنوشت



# سیاست بدن در علوم سیاسی

برای اولین بار این کلیسا به عنوان یک بدن، اغلب عروس مفهوم‌سازی شد و مسیح به عنوان سر یا داماد این عروس تلقی می‌گشت. بعدها، پادشاهان و پاپ‌ها، خودشان را با بدن مسیح مرتبط کردند و با ماهیت دوگانه آن یکپارچه شدند. مانند مسیح، پادشاهان و پاپ‌ها زنده‌گی می‌کردند و می‌مردند اما نهادهای سلطنتی و پاپی ادامه می‌یافتند. مورخ آلمانی قرون‌وسطایی ارنست کانتورویز اولین کسی بود که ماهیت سلطنتی در دو بدن پادشاه را برجسته کرد: مطالعه بر الهیات سیاسی قرون وسطا (۱۹۵۷). او یک ساختار دوتایی از بدن پادشاه را پیشنهاد کرد که می‌میرد، زیرا ماهیت فیزیکی یا زیستی دارد و نهاد سلطنتی که دوام می‌یابد و جاودان است. این ساختار در گریه‌های مربوط به سنت مردن پادشاهان بیان می‌شد که: پادشاه مرده است، زنده باد پادشاه!

## چونل رول کوستر برگردان: فاطمه سبارپور

### خاستگاه‌های باستانی

سیاست بدن، در اندیشه سیاسی غرب، استعاره‌ی باستانی است که از خلال آن، یک دولت، جامعه یا کلیسا و نهادهایش به‌مثابه یک بدن زیستی (اغلب بدن انسانی) درک می‌شوند. چنانچه به‌طور معمول به کار می‌رود، این استعاره به رهبری سلسله‌مراتبی و تقسیم کار دلالت دارد و یک مفهوم قویا استبدادی یا با دلالت ضمنی سلطنتی است.

اولین مورد ثبت شده از استعاره سیاست بدن در ریگ‌ودا (۱۵۰۰ سال پیش از میلاد) قدیمی‌ترین کتاب مقدس هندوها دیده می‌شود. این سیستم کاستی جنوب آسیا در ریگ‌ودا از خلال مقایسه میان کشیش با دهان، سربازان با بازوها و چوپان‌ها با ران‌ها و دهقانان با پاهای انسانی تبیین و توضیح داده می‌شوند.

یک مثال باستانی مشهور از این استعاره بدنی در «شکم و اعضا» ظاهر می‌شود، حکایتی که به افسانه یونانی ایسوپ نسبت می‌دهند. در این افسانه، اعضای دیگر بدن علیه شکم شورش می‌کنند؛ زیرا تصور می‌کنند شکم همه مواد غذایی را دریافت می‌کند ولی هیچ کاری انجام نمی‌دهد. دست‌ها، دهان، دندان‌ها و پاها شورش را می‌آغازند، اما پس از چند روز می‌فهمند بسیار ضعیف و بیمار شده‌اند. بنابراین یاد می‌گیرند که همکاری میان اعضای بدن از جمله شکم

پس از آن، خطابه دیموستن، آنتی‌ها را به جنگ علیه فیلیپ مقدونی ... به ویژه فیلیپ سوم - تشویق و او را با حمله تب یا بیماری مقایسه کرد. رومی‌ها از یونان تأثیر پذیرفتند و در قرن اول پیش از میلاد، لیوی به همان قیاس با سلف خود سیسرو آشنا بود. تایخ لیوی از روم، افسانه اوزوب را از شورش قسمت‌های دیگر بدن علیه شکم در بازگرددش از جدایی طلبی پلپیان ذکر کرده است. طبق گفته‌های لیوی، در اوایل جمهوری روم پلپیان از شهر رم جدا شدند و خود را در کوه مقدس یا اونتین تنها یافتند. منیوس آگریپا برای این بحران عازم شد و از نسخه خود از افسانه برای متقاعد کردن پلپیان در بازگشت به دولت استفاده کرد. به قول لیوی، سنای روم (شکم) موافقت کرد که از پلپیان (بدن) غذا دریافت کرده، اما هدر نرفته است. سنای روم آن را هضم کرده و آن را از طریق خون و رگ‌های جمهوری بازگردانده است. از این‌رو، همکاری همه‌گی موجب حیات بدن جمهوری شد. این افسانه در پلوتارک، اشعار ماری دو فرانس و در تراژدی کوریولیانس شکسپیر حیات یافت.

### مسیحی شدن امپراتوری روم

با مسیحی شدن امپراتوری روم، از اوایل قرن چهارم پس از میلاد، این استعاره دگردیسی یافت، هرچند معنی آن با کمی تغییر بر زیردستان دلالت کرد. در قرن اول، سنت پاول، به‌طور گسترده از

اضافه می‌کند و افسسیان ۵:۲۳ - ۳۰ این استعاره را ادامه می‌دهد:

مرد رییس زن است، همان‌طور که مسیح رییس کلیساست، زیرا همه‌گی اعضای بدن او هستیم. متکلمان اولیه استفاده از استعاره‌های بدنی را ادامه دادند. تصور آنان از سیاست بدن، یک بدن مسیحی عرفانی بود که در اشتراک‌گذاری با مسیح، آیین شکرگزاری یا استحاله یکسان شده بود و (تحول اساسی در نان و شراب و توده به بدن و خون مسیح). این استعاره یک مفهوم الهیاتی را در پیش گرفت و بر رهبری الهی دلالت یافت. برای مثال فصل دوازدهم کتاب چهارم شهر خدای سنت آگوستین، «مربوط به نظر کسانی که فکر می‌کنند خدا روح جهان است و دنیا بدن اوست» نام‌گذاری شد.

در قرون وسطا الگوی مورد استفاده در دنیای روحانی به دنیای سیاست سکولار سرایت یافت و گسترده شد. ابتدا کلیسا خودش را به عنوان سیاست بدن عرفانی معرفی کرد که سر اصلی او پاپ بود و پادشاهان و پرنس‌ها اعضای آن بودند. اما در نهایت قدرت‌های غیرروحانی برای رهبری به رقابت پرداختند و برای داشتن سلطنت الهی روحانی (سر) نظریه‌پردازان استدلال کردند تا این‌که به میزان زیادی در قرن ۱۸، انقلاب‌ها بدن مسیحی قرون وسطایی را از هم پاشیدند.

برای اولین بار این کلیسا به عنوان یک بدن، اغلب عروس مفهوم‌سازی شد و مسیح به عنوان سر یا داماد این عروس تلقی می‌گشت. بعدها، پادشاهان و پاپ‌ها، خودشان را با بدن مسیح مرتبط کردند و با ماهیت دوگانه آن یکپارچه شدند. مانند مسیح، پادشاهان و پاپ‌ها زنده‌گی می‌کردند و می‌مردند اما نهادهای سلطنتی و پاپی ادامه می‌یافتند. مورخ آلمانی قرون‌وسطایی ارنست کانتورویز اولین کسی بود که ماهیت سلطنتی در دو بدن پادشاه را برجسته کرد: مطالعه بر الهیات سیاسی قرون وسطا (۱۹۵۷). او یک ساختار دوتایی از بدن پادشاه را پیشنهاد کرد که می‌میرد، زیرا ماهیت فیزیکی یا زیستی دارد و نهاد سلطنتی که دوام می‌یابد و جاودان است. این ساختار در گریه‌های مربوط به سنت مردن پادشاهان بیان می‌شد که: پادشاه مرده است، زنده باد پادشاه!

طبق تحلیل‌های کانتورویز، مورخ ایتالیایی آگوستینو پاراوینچی باکلیانی در بدن پاپ (۲۰۰۰)، بر این مسئله ملاحظه کرد که چطور کلیسا استمرار نهادی خود را بر استعاره بدنی شکل می‌دهد. [مرگ] پاپ یک مرگ انسانی است درحالی‌که نهاد کلیسایی مانند مسیح، ادامه پیدا می‌کند. برای پاراوینچی باکلیانی، آیین‌های کلیسایی که برای مرگ پادشاه به‌وجود آمده‌اند، تضاد درونی میان گذار جسمی پاپ و استمرار نهادی کلیسا را نشان می‌دهد.

شاید، بیشترین تحول درباره این مفهوم در قرون وسطا به جان سالیسبری در کتاب پولیکراتیوس کتاب موثر وی بر تئوری سیاسی این دوره برگردد. مانند مدل یونان باستانی وی، جامعه سیاسی وی در بدن یک انسان سالم بازنمایی می‌شود. او بحث می‌کند که بدن یک جمهوری (یک خلاف‌گویی تاریخی کامل در قرن ۱۲) در نهایت از خلال روح مسیحی تسلط می‌یابد و به نمادی از رهبری روحانی کشیش بدل می‌شود.

در نظر جان، سر رییس جمهوری رهبری تابع قانون خدا بود. چنانچه در بدن، سر باید تحت سلطه روح باشد. سپس وی بدن جسمانی را پایین می‌آورد و قلب را به سنا نسبت می‌دهد. گوش‌ها، چشم‌ها و دهان، قاضیان و والیان ایالات هستند و دست‌ها مقامات و سربازانند، معده و روده‌ها خزانه‌داران و ثبت‌کننده‌گان اموال و پاهای دهقانان محسوب می‌شوند.

در قرن ۱۳، پژوهشگر فلورنتی، برونولائینی، در کتاب گنج (۱۲۶۲-۱۲۶۶)، استفاده سیاسی از این استعاره را ادامه داد، چنانچه در نوشته‌های الهیاتی سنت توماس آکویناس بود. آکویناس که تحت



این استعاره استفاده کرد و مسیح و کلیسا را به یک بدن واحد درآورد و به علاوه کلیسا را به عنوان عروس مسیح در نامه خود به کورنتیانس به تصویر کشید که به‌وضوح تأثیر نویسنده‌گان باستان را نشان می‌دهد:

از آن‌جا که بدن واحد است و اعضای زیادی دارد و همه اعضای بدن، اگرچه زیاده ولی یک بدن هستند، بنابراین با مسیح است... اگر می‌گفت: «از آن‌جا که من یک دست نیستم بنابراین به بدن تعلق ندارم» آن را به بخشی از بدن بدل نمی‌کند. و اگر گوش می‌گفت «چون من یک چشم نیستم، پس به بدن متعلق نیستم»، آن را به بخشی از بدن بدل نمی‌کند... چشم به دست نمی‌تواند بگوید: «من به تو نیاز ندارم» و نیز سر به پاها بگوید: «من به تو نیاز ندارم»... زیرا ممکن است درون بدن هیچ اختلافی نباشد اما اعضا ممکن است همان مراقبت را از دیگری داشته باشند... حالا شما بدن مسیح هستید و اعضای جداگانه آن. کولوزین ۱:۱۸: مسیح را به عنوان «سر بدن و کلیسا

نامحسوس برای سلامت کل بدن حیاتی است. در این داستان نه چندان ظریف اخلاقی جامعه شبیه بدن است، وقتی که همه وظایف خود را بهتر انجام دهند و همکاری کنند، کارکردها بهتر می‌شوند. این استعاره اجتماعی به‌ساده‌گی در دنیای سیاسی برگردانده شد.

در قرن چهارم پیش از میلاد، افلاطون کاربرد سیاسی این استعاره را در جمهوریت و قوانین خود بیان و تصحیح کرد. برداشت وی از این استعاره از دولت بر تناسب اندام و رفاه در برابر بیماری تأکید داشت و بیان می‌کرد شرایط بعدی زمانی رخ می‌دهد که بخش‌های مختلف دولت نتوانند عملکرد مناسب خود را برای این دو داشته باشند.

علاقه یونانیان به رفاه ارگانیک دولت‌شان در صدای شاعران‌شان ادامه داشت. اریستوفان‌ها به‌ویژه در نمایشنامه زنبورها (۴۲۲ پیش از میلاد) مدعی شدند که شاعران برای مراقبت از بیماری‌های دولت ضروری هستند. زمان کوتاهی

تأثیر پلیسراتیکوس بود، بر ضرورت تنوع در رهبری پادشاه بحث می‌کرد و اظهار می‌داشت چنین فرمی از حکومت مانند وجود روح طبیعی است. به طور مشابه نیز جان (در قدرت‌های سلطنتی و پاپی، ۱۳۰۲)، از تابعیت پاپ از یک پادشاه دفاع می‌کند و این استعاره را در استدلال برای رهبری عوام در نیروی واحد مشترک استفاده کرد. این نوع استدلال در کتاب دفاع از صلح (۱۳۲۴) اثر ماریسیلیوس پادانو تکرار شده است.

گرایش قرون وسطا برای ادغام کلیسا و دولت ناگزیر نیاز به هویت‌یابی یک رهبری واحد را ایجاد کرد. اقتضایی که در استعاره بدنی جای می‌گرفت. در وظیفه دیگر پادشاه که او قابل بود، اصلاح‌طلب مسیحی جان ویکلیف، دفاع از سلطنتی الهی پادشاه را ادامه و با این استعاره بدنی بحث کرد. در این مورد پادشاهی به شکل ارگانیک حرکت می‌کند. شاه، سر یا قلب سلطنت بود. نقطه اوج استفاده از این استعاره در قرون وسطا، از نظر شاعر و اولین نویسنده حرفه‌ی فرانسوی کریستین دو پيسان، در کتاب بدن‌های سیاسی (۱۴۰۷) یافت شده است. او دولت را به سه بخش (حاکم، اشراف، عامه مردم) تشریح می‌کند که بدن‌مند شده‌اند و شبیه یک بدن کارآمد، برای منافع کل همکاری می‌کنند.

در قرن ۱۶، هنری هشتم پادشاه انگلیس با قراردادن خود در نقش رییس کلیسا، تجزیه این استعاره سیاست بدن را آغاز کرد. اندکی قبل از آن سر جان فورسکو، در کتاب در ستایش قوانین انگلیس (۱۴۷۰) بحث کرده بود که اعصاب (قوانین) سیاست بدن بریتانیا را به هم می‌پیوند و از یک سلطنت محدود و مجلس قانون‌گذاری حمایت می‌کند. در سال ۱۶۰۶، کتاب بارناب بارنس، به پادشاه سر و به قوانین نقش ریه‌ها را اعطا کرد. اصلاحات استعاره را حتا بیشتر از این هم بردند و بیشتر اوقات بیشتر کسانی که با سر پادشاه یا پاپ - در ارتباط بودند را به چالش کشیدند.

### طرده رد

جان میلتن، رسیدن به اصلاحات کلیسایی نظم در انگلستان (۱۶۴۱) را بازسازی کرد. افسانه «شکم و اعضا» به «افسانه غده و اعضا» بدل شد. غده یا کورک - استعاره‌ی برای یک اسقف کاتولیک - از نظر اندازه برای سر مورد بحث، بیشترین رشد را در موقعیت اول خود نسبت به بقیه اعضای بدن در نظر می‌گرفت. یک فیلسوف که برای اعضای یک جلسه آورده شده است، خودش را به نمایش می‌گذارد برای چیزی که هست - یک زایده ناهنجار را.

شکسپیر نیز در صحت این استعاره شک و تردید ایجاد کرد و در کوریولانوس همکاری ارگانیک میان اعضای بدن و مقایسه با پلپیان با هیدرای هیولا، اسطوره یونانی و بیماری‌هایی مثل سرخک یا زخم را زیر سوال برد. میلتن و شکسپیر، با استفاده افراطی از این استعاره نشان دادند که یک بدن مانند یک جامعه همیشه خوب کار نمی‌کند. در میانه قرن ۱۷ توماس هابز، به‌طور موثری این استعاره را به‌وسیله پافشاری بر قراردادی بودن دولت از بین برد. در لویاتان (۱۶۵۱)، او بحث می‌کند که خودخواهی طبیعی موجود انسانی و پیروی از نیاز به اقتدار بیرونی برای تحمیل، افراد را از خشونت دایمی منع می‌کند. برای ایجاد یک صلح ماندگار، در لویاتان دولت را نهادی اجتماعی و قراردادی می‌داند نه یک موجود زیستی و طبیعی.

پس از قرن ۱۷، استفاده از این استعاره بدنی، برای همیشه کنار رفت. بعد از انقلاب صنعتی، زمانی که موضوع کنترل اجتماعی برجسته شد، نهادهای اجتماعی به عنوان ماشین و نه به عنوان اندام طبیعی درک شدند.





www.kafebook.ir

photo by: sahran

# ملت عشق

## روایتی از عبور

اگر در تاریخ بشریت همواره مردان نقش عاشق را بازی کرده‌اند و عشق بیشتر از دید مردانه به نمایش گذاشته شده؛ اما شافاک عشق را زنانه می‌سازد. عشق را ملموس‌تر و لطیف‌تر می‌نماید. عشق شمس و مولوی را با عشق الّا و عزیز هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ جنسیتی مفهومی‌تر می‌سازد. به گونه‌ی مثال، وقتی الّا برای اولین بار می‌خواهد عزیز را ملاقات نماید، به آرایش چهره و پوشیدن لباس زیاد وسواس دارد؛ یعنی می‌گوید اگر عزیز مرا با این حالت نپذیرد، چه خواهد شد. بنابراین کوشش می‌کند به لحاظ ظاهری خودش را دلربا تر بسازد. این جاست که عشق الّا جنسی و اروتیک می‌شود، درحالی‌که عشق شمس و مولوی کاملاً متفاوت از این است. اما فکر کنم این کار دانسته و قصدی صورت گرفته است تا عشق را به همه‌گان بفهماند. شافاک می‌خواهد چیزهای انتزاعی را مفهومی و ملموس کند؛ عشق در روایت زنانه

سنت به سنت‌شکنی. ملت عشق قضاوت را سرکوب می‌کند. و بالاخره عبور از راه عقل به دل؛ یعنی عشق...  
۶- الّا در این داستان همان مولوی است و عزیز، شمس. اشتراکات الّا با مولوی این است که هر دو در سن چهل‌سالگی متحول می‌شوند. مولوی عالم پُراوازه، پابند شریعت و سنت، الّا خانم آرام و مادری که خانواده و فرزندانش برایش مهم است. مولوی و الّا هر دو در راه عشق این داشته‌هایشان را پشت پا می‌زنند. عزیز در این داستان دقیق شبیه شمس هم از لحاظ چهره و رفتار و هم به لحاظ درونی شورنده است. هر دو مسافری اند که به سوی عشق سفر می‌نمایند. هر دو فرامگانی در حرکت اند. نه جایی برای زیستن دارند و نه هم دلبنده‌گی. هر دو صوفی‌اند.

۷- نویسنده این داستان زن است. الیف شافاک دقیق شبیه این داستان برای دگرگونی و تغییر می‌نویسد. اگر در تاریخ بشریت همواره مردان نقش عاشق را بازی کرده‌اند و عشق بیشتر از دید مردانه به نمایش گذاشته شده؛ اما شافاک عشق را زنانه می‌سازد. عشق را ملموس‌تر و لطیف‌تر می‌نماید. عشق شمس و مولوی را با عشق الّا و عزیز هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ جنسیتی مفهومی‌تر می‌سازد. به گونه‌ی مثال، وقتی الّا برای اولین بار می‌خواهد عزیز را ملاقات نماید، به آرایش چهره و پوشیدن لباس زیاد وسواس دارد؛ یعنی می‌گوید اگر عزیز مرا با این حالت نپذیرد، چه خواهد شد. بنابراین کوشش می‌کند به لحاظ ظاهری خودش را دلربا تر بسازد. این جاست که عشق الّا جنسی و اروتیک می‌شود، درحالی‌که عشق شمس و مولوی کاملاً متفاوت از این است. اما فکر کنم این کار دانسته و قصدی صورت گرفته است تا عشق را به همه‌گان بفهماند. شافاک می‌خواهد چیزهای انتزاعی را مفهومی و ملموس کند؛ عشق در روایت زنانه

### بسم‌الله حزین

#### نکات مهم

- ۱- دو داستان با ظاهر متفاوت؛ اما درون‌مایه یکسان؛ یعنی عشق!
- ۲- در داستان شمس و مولوی هر صحنه مطابق عنوان، یعنی فرد مشخص صحنه از زاویه دید شخص اول یا نویسنده نوشته شده است. به گونه‌ی مثال: صحنه‌ی که گل کویر در آن برجسته‌گی دارد، عنوان به اسم گل کویر نوشته شده است و داستان از دید شخص اول بیان می‌شود. خوبی این ترفند در این است که خواننده سردرگم نمی‌گردد. ذهن خواننده منسجم می‌شود. مهم‌تر از آن مفهوم دیگری هم دارد. آن‌گونه که داستان از دید همان شخص بیان می‌شود، نوع دید هر فرد به هستی را نشان می‌دهد. به روایت شمس اگر بخواهید درد یک روسپی را بدانید، باید خود را جای او قرار دهید و بدانید که چه چیزی باعث شده که او روسپی شده است. یا هم جهان را از دید یک گدا یا یک دیوانه ببینید، که درون‌مایه داستان دقیق همین است. کثرت‌گرایی...
- ۳- انتخاب نام افراد نیز آگاهانه و مطابق جایگاه فرد در داستان انتخاب شده است. شمس یعنی خورشید. برای مولوی شمس همان خورشید است یا حتا روشن‌تر از خورشید. سلیمان مست، مردی دایم‌الخمر است، اما با قلب صاف و صادق. حسین گدا با داشتن مرض سرایت‌کننده و خطرناکی که جامعه از آن نفرت دارد. کیمیا عاشق و دلدادۀ شمس؛ عشق هیروئیک یا نفسانی شیفته و شیدای وصل با شمس. عشق یک‌جانبه کیمیا به شمس، که شمس تن به عشق نفسانی نمی‌دهد. گل کویر دختر عاصی و گنهگار که جبر روزگار و زمان او را به روسپی‌گری کشانده است. به لحاظ مفهوم لغوی، کویر رودخانه خشکیده و نم‌کزار معنا می‌دهد. گل کویر؛ یعنی گلی که در رودخانه خشکیده روییده باشد، بدون شک که گل به آب نیاز دارد، اما چون آب نیست گل پژمرده می‌شود. دقیق سرنوشت گل کویر مانند اسمش همین‌گونه است. به نظر من گل کویر یکی از افراد متأثرکننده رمان ملت عشق است.
- ۴- ماجرای قتل شمس از زبان قاتل. در داستان حنا نسبت به یک قاتل حقتلفی نمی‌شود. صحنه‌ها را و این‌که به چه دلیل می‌خواهد شمس را بکشد، از زبان خودش بیان می‌کند. یک نوع معصومیت قاتل را نشان می‌دهد. باز همان زاویه دید است. زاویه دید به هستی، جهان و پدیده‌ها. بافت محتوایی کتاب با بافت نوشتاری.
- ۵- ملت عشق عبور است. او واژه‌های متضاد را به مفهوم ضد به کار نمی‌برد، بلکه عبور می‌کند. عبور از ریا به حقیقت، گناه به رهایی، ظاهر به باطن،

رمان ملت عشق، روایتی است که دو داستان را موازی با هم چیده است. دو داستان با ظاهر وارونه؛ یعنی زمان، مکان و جنسیت متفاوت اما با درون‌مایه یکسان. در هر دو، اتفاق نامنتظره عشق است؛ «... برای هر انسانی یک زمان عاشق شدن است و یک زمان مُردن.»

رمان به گونه‌ی پرشی نوشته شده است که از داستان زنده‌گی یکنواخت الّا شروع می‌شود. الّا خانمی آرام و یک مادر وظیفه‌شناس، صاحب سه فرزند است و بیست سال قبل با دیوید روینشتاین عروسی کرده است و در بوستون زنده‌گی می‌کنند. شوهرش بارها به او خیانت کرده، اما الّا هیچگاه این موضوع را به رخ او نکشیده است. این را همه می‌دانیم که این کار برای الّا چقدر دردآور است. الّا در کودکی پدرش را از دست داده و مادرش را مقصر خودکشی پدر می‌داند؛ مگر بعدها مادرش را بخشیده و کوشش نموده تا گذشته را فراموش کند. الّا خانم آبدیده و رنج‌کشیده است. خانواده و فرزندانش برایش خیلی مهم اند.

مدتی می‌شود در یک انتشارات به حیث دستیار دستیار شروع به کار کرده است. خانم میشله مدیرش برای الّا رمان ملت عشق را می‌دهد تا گزارشی آماده کند به خاطر چاپ این رمان. الّا با خواندن رمان ملت عشق کنجکاو می‌شود. برای بهتر آماده ساختن گزارش کتاب، ایمیل آدرس نویسنده ملت عشق - عزیز زاهر را می‌یابد. الّا از این‌که در این روزها با دختر بزرگش ژانت دعوا کرده، آزرده است. بنابراین اولین بار نامه‌ی برای عزیز نوشته می‌کند، مبنی بر این‌که «رمان‌تان در مقطع عجیبی از زنده‌گی‌ام مصادف شده است» درد درونی‌اش را با عزیز می‌گوید.

این نامه‌نویسی بین هر دو ادامه می‌یابد تا این‌که به عادت روزانه هر دو بدل می‌شود. بعدها روزانه چند بار به هم نامه می‌نویسند. این نامه‌نویسی زمینه آن می‌شود که الّا عاشق عزیز شود. زنده‌گی الّا دگرگون می‌شود. الّا بعد از مدتی به عزیز نامه‌ی پستی می‌فرستد و عزیز هم برای دیدن الّا به بوستون می‌آید، با هم ملاقات می‌نمایند و الّا خانواده، فرزندان و شوهرش را رها نموده با عزیز می‌رود. گرد جهان می‌گردند. پس از سیر و سیاحت به کشورهای مختلف به قونیه می‌روند. عزیز از اثر مرض سرطان می‌میرد. البته از یک‌جا شدن هر دو نزدیک به یک سال‌ونیم می‌گذرد. دوستان بی‌حد و مرز عزیز او را به گونه‌ی متفاوت به خاک می‌سپارند. به جای سوگواری، محفل خوشی به پا می‌کنند و محفل رقص و موسیقی. آن‌گونه که شمس و مولانا رقص سماع کردند و اهل ریا این‌کار را دیوانه‌گی و کفر تلقی کردند، دقیق عزیز را همان‌گونه خلاف سنت‌ها با رقص، موسیقی، نی‌نوازی و پایکوبی به خاک سپردند.

داستان مولوی و شمس که بر همه‌گان واضح است. مولوی که زاهد و واعظ پُراوازه قونیه بود، هزاران طلبه و شاگرد داشت. در وعظ و خطابه شهره آفاق بود و مردمان از شهرهای مختلف به حضور او می‌آمدند. به مردم شریعت می‌آموخت. عالم آراسته با دانش شرعی که دوست و دشمنش به او افتخار می‌کردند؛ اما با آمدن شمس تبریزی و هم‌کلام شدن با درویش گمنام یک‌باره دگرگون می‌شود. افتخارات ظاهری‌اش، مقامش، خانواده و دوستانش را به پای عشق می‌ریزد، تا این‌که شوری در عالم می‌زند و داستان نقل زبان‌ها و زمان‌ها می‌شود.

شمس، رفیق و آینه روح مولوی به قتل می‌رسد. آن‌گونه که عزیز زاهر را مرض سرطان از الّا می‌گیرد. دوستان جاهل مولوی برای شمس همان مرض سرطان شد که عزیز را از بین برد. شمس و عزیز هر دو در قونیه روح‌شان را پرواز دادند. رمان یا داستان یک روایت است. آن‌گونه که یک نقاش منظره‌ی را نقاشی می‌کند، عکاس تصویری را ثبت می‌نماید، این‌ها همه روایت هستند. هنرمند کارش را انجام می‌دهد و اثری را خلق می‌کند. بعد از آن، دیگر این روایت به بیننده و خواننده بسته‌گی دارد. پس خواننده و بیننده از کار هنرمند استفاده می‌کنند. رمان ملت عشق را خواندم؛ علاوه بر قصه ظاهری‌اش برداشتی از آن نمودم. آنچه از این داستان فهمیدم، نه تنها در مورد عشق شمس و مولوی و الّا و عزیز بود، بلکه موارد دیگری نیز توجه‌ام را جلب کردند.



## یافته‌های کانگرس امریکا:

### پاکستان حکومت ضعیف به رهبری یک قوم را در افغانستان ترجیح می‌دهد

کانگرس امریکا به تازه‌گی گزارشی از چگونگی رفتار پاکستان در قبال افغانستان را منتشر کرده است که بر اساس یافته‌های این گزارش، پاکستان به جای یک حکومت نیرومند و متحد، یک حکومت ضعیف و بی‌ثبات را به رهبری تنها یک قوم در افغانستان ترجیح می‌دهد.

یافته‌های این گزارش تازه کانگرس ایالات متحده امریکا نشان می‌دهد که پاکستان از چندین دهه به این سو نقش فعال اما منفی را در قبال افغانستان بازی می‌کند.

در این گزارش کانگرس امریکا آمده است که پاکستان هنوز هم با گروه‌های هراس‌افکن به‌ویژه شبکه حقانی رابطه دارد و هنوز هم پناهگاه هراس‌افکنان در پاکستان یک تهدید در برابر افغانستان است. در این گزارش آمده است که پاکستان به جای یک حکومت نیرومند و متحد، یک حکومت ضعیف و بی‌ثبات را به رهبری تنها یک قوم در افغانستان ترجیح می‌دهد.

در بخشی از این گزارش آمده است: «پاکستان ممکن است یک افغانستان ضعیف و بی‌ثبات را به جای یک افغانستان نیرومند و متحد ترجیح بدهد. پاکستان به‌ویژه حکومتی را در کابل می‌خواهد که بیشتر از سوی پشتون‌ها رهبری شود».

در گزارش هم‌چنان آمده است که ارتش پاکستان از نقش هند در افغانستان نگران است و ظاهراً طالبان را یک ابزار خوب و معتبر در برابر این نقش دهلی‌نو می‌پندارد.

از سویی دیگر، سرپرست مرکز ضد هراس‌افکنی امریکا می‌گوید که احتمال حمله داعش از افغانستان به امریکا کاهش یافته است.

رسل تراورس، رییس مرکز ملی ضد هراس‌افکنی امریکا در این باره گفت: «یقیناً آنان یعنی اعضای شاخه خراسان داعش با تبلیغات اراده شان را برای حمله در بیرون از افغانستان نشان داده‌اند، اما امسال در مقایسه با سال‌های گذشته احتمال حمله آنان در بیرون از این کشور محدودتر شده است».

با این حال، یافته‌های یک نظرسنجی تازه نهاد امریکایی «گالوپ» نشان می‌دهند که افغانستان در سال ۲۰۱۸ میلادی، ناامن‌ترین کشور در سطح جهان بوده است.

بربنیاد این نظرسنجی، اعتماد مردم افغانستان به نیروهای پولیس و نیز احساس امنیت آنان کاهش یافته است.



### د افغانستان حکومت د نشه یی... د

بیا له نشه یی موادو سره د دوی مبارزه بریالی بولي. دوی وایي چې یوازې په تېرو شپږو میاشتو کې یې د لویو قاچاق کوونکو په گډون د نشه یی موادو څلور زره قاچاق کوونکي نیولي دي.

ده وویل: «موږ د هېواد په کچه درې زره عملیاتو کړي، د دې عملیاتو په نتیجه کې مو د نشه یی موادو د قاچاق په تور څلور زره کسان نیولي چې ستر قاچاق کوونکي هم پکې شامل دي، افغانستان د نشه یی موادو قرباني هېواد دی، ځکه نو باید یوازې په افغانستان کې نه، بلکې په نړیواله او سیمه ییزه کچه مبارزه ورسره وشي، که په نړۍ کې د نشه یی موادو غوښتنه را کمه کړل شي، په افغانستان کې یې کښت خپله کمېږي، له بده مرغه چې اوس یې په نړۍ کې غوښتنه ډېره ده.»

د افغانستان د کورنیو چارو وزارت وایي چې دوی هڅه کوي چې بدیل کښتونه رواج او وایوي پروگرامونه ډېر کړي، د سیگار د راپور پر اساس د امریکا د پرمختګ اداره یا (USAID) له دوی سره ژمنه کړې چې له افغان بزګرو سره به د زراعتي سکټور د ظرفیت لوړولو په برخه کې مرسته کوي.

پخوا د امریکا متحده ایالتونو له نشه یی موادو سره د مبارزې ځانګړې ستراتیژي درلوده، خو له (۲۰۱۷) کال راهیسې له نشه یی موادو سره مبارزه د جنوبي اسیا د نظامي ستراتیژي برخه ګرځېدلې او له قاچاق کوونکو سره مبارزه هم افغان دولت ته سپارل شوې ده.



## از فرو ریختن دیوار برلین ۳۰ سال سپری شد

۱۳۶ نفر که در تلاش بودند از این مرز عبور کنند، جان‌شان را از دست دادند. افرادی که تلاش می‌کردند از قسمت شرقی به بخش غربی بروند، خابن نامیده می‌شدند و اگر هر گونه تلاشی برای عبور از خود نشان می‌دادند، نگهبانان می‌بایست آنها را هدف شلیک خود قرار دهند؛ البته این شلیک نباید منجر به مرگ آنها می‌شد.

دیوار برلین، قسمت شرقی برلین را از بخش غربی آن جدا می‌ساخت و نیز نماد جنگ سرد بود، اما این دیوار در ۱۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ فرو ریخت. فرو ریختن دیوار برلین یکی از مهمترین حوادث تاریخی آلمان و جهان در عصر معاصر به شمار می‌آید. از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۹ دیوار برلین نه تنها یک شهر، بلکه جهان را به دو بخش تقسیم کرده بود.

امروز جشن ۳۰ ساله شدن فروپیزی این دیوار است. آلمانی‌ها به این مناسبت یک هفته جشن برگزار می‌کنند. روزنامه ماندگار برای مرور این ایستگاه تاریخی ده واقعت از ایجاد تا فروپیزی این دیوار را گزینش کرده است.

### واقعت ۱

کار ساخت دیوار برلین در روز ۱۳ اگست ۱۹۶۱ آغاز شد و هدف از آن، جداسازی سه منطقه تحت کنترل فرانسه، بریتانیا و امریکا از منطقه‌یی بود که تحت حکم فرمایی اتحادیه شوروی بود. پس از جنگ جهانی دوم، آلمان به چهار منطقه تجزیه شد که هر یک از آنها توسط یکی از چهار قدرت متحدين که نازی‌ها را شکست داده بودند، اشغال شده بود. نواحی تحت کنترل فرانسه، بریتانیای کبیر و امریکا، «آلمان غربی» یا جمهوری فدرال آلمان (Bundesrepublik Deutschland) نام گرفتند. منطقه تحت کنترل شوروی نیز «آلمان شرقی» یا جمهوری دموکراتیک آلمان (Deutsche Demokratische Republik) نامیده شد.

برلین، پایتخت آلمان در آلمان شرقی بود که در دست شوروی قرار داشت؛ اما این شهر ناحیه اجرایی نیروهای متحدين بود، خودش نیز به چهار ناحیه تجزیه شد. بدین ترتیب فرانسه، بریتانیای کبیر و امریکا کنترل برلین غربی را در دست گرفتند، در حالی که اتحادیه شوروی قسمت شرقی آن را در دست گرفت. در طی سال‌های زیادی از نیمه دوم قرن بیستم، روابط میان امریکا و اتحادیه شوروی به تیره‌گی گرایید و دیوار برلین نیز سمبل این دشمنی بود و پرده آهنین نامیده می‌شد.

### واقعت ۲

دیوار برلین برای پیش‌گیری از ورود اهالی آلمان شرقی به آلمان غربی ساخته شده بود. اما این دیوار برای ساکنین آلمان غربی که می‌خواستند به ناحیه شرقی بروند، مانع چندان بزرگی نبود؛ چون در واقع تنها لازم بود آنها از چند هفته پیش، اجازه دریافت کنند. صدور این اجازه نامه با ضديت چندانسی از سوی قدرت‌های غربی مواجه نمی‌شد؛ چرا که در زمان ساخت دیوار نیز وعده داده شده بود که اتحادیه شوروی برلین غربی را غصب نخواهد کرد.

### واقعت ۳

آمار رسمی نشان می‌دهد که دست کم

### واقعت ۴

قسمت غربی دیوار برلین با نقاشی دیواری پوشیده شده بود؛ اما بخش شرقی آن عاری از هرگونه نقاشی بود.

### واقعت ۵

دیوار برلین فقط وسیله جبار و جنجال تبلیغاتی اتحادیه شوروی و آلمان شرقی بود و نشان‌دهنده ظلم کمونیست‌ها بود؛ چرا که آنها تردد مردم را کنترل می‌کردند و به افرادی که آنان را خائن می‌پنداشتند، تیر شلیک می‌کردند.

### واقعت ۶

اگر اهالی برلین غربی همراه خود آشغال داشتند، آن را به سوی دیگر دیوار پرت می‌کردند.

### واقعت ۷

دبويد هاسلهورف، آهنگ معروف خود با نام «در جست وجوی آزادی» را در حالی که در سال ۱۹۸۹ روی دیوار برلین ایستاده بود، اجرا کرد.

### واقعت ۸

برخلاف آنکه این دیوار شرق و غرب را از هم مجزا می‌کرد، اما چند نقطه ایست بازرسی وجود داشتند که می‌شد از آنها عبور کرد و به سمت دیگر دیوار تردد نمود. مشهورترین این نقاط، ایست بازرسی چارلی (Charlie) بود. این ایست بازرسی، منطقه تحت کنترل امریکا در برلین غربی را از منطقه تحت کنترل اتحادیه شوروی در برلین شرقی جدا می‌ساخت. دکه حراست ایست بازرسی چارلی در اکتبر ۱۹۹۰ برداشته شد و اکنون در موزه متحدين در شهر برلین قرار دارد. آخرین بقایای ایست بازرسی چارلی که یک برج مراقبت آلمان شرقی بود نیز در سال ۲۰۰۰ نابود شد.

### واقعت ۹

اگرچه از تاریخ ۱۰ نوامبر ۱۹۸۹ به عنوان تاریخ فروپیزی دیوار برلین یاد می‌شود، اما نابودی رسمی آن در ۱۳ جنوری ۱۹۹۰ انجام شد. در فاصله نهم نوامبر تا سیزدهم جون، کنترل‌های مرزی هنوز پابرجا بودند؛ اگرچه سخت‌گیری قبل را نداشتند. آلمانی‌ها بخش‌هایی از این دیوار را کردند و به عنوان یادگاری نگه داشتند و امروزه حتا روی سایت eBay به فروش می‌رسانند! افرادی که این کار را کردند، «دارکوب دیوار» یا

### واقعت ۱۰

دست است که دیوار برلین یک مانع فیزیکی روی زمین بود؛ اما در زیر زمین چه می‌گذشت؟ برلین نیز همچون شهرهای عمده دارای یک سامانه متروی زیرزمینی بود. پس از ساختن دیوار برلین، معمولاً قطارها تنها در بخش‌های مربوط به خود می‌توانستند تردد داشته باشند. برخی از قطارها یا صرفاً در بخش غربی یا تنها در بخش شرقی عبور و مرور می‌کردند. قطارهایی که پیش‌تر از مرز عبور می‌کردند، اکنون نمی‌توانستند فراتر از مرز بروند و می‌بایست از مرز دور بزنند و به داخل شهر باز گردند. اما سه خط قطار مجزا بودند و تنها توسط اهالی برلین غربی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و می‌توانستند تا حدی وارد برلین شرقی نیز بشوند. آنها از چندین ایستگاه عبور می‌کردند که با نام «ایستگاه‌های روح» یا Geisterbahnhöfe معروف بودند. این ایستگاه‌ها از نور چندانى برخوردار نبودند و نیروهای امنیتی زیادی نیز در آنها مستقر بودند. البته این به جز موارد استثنایی بود: ایستگاه Friedrichstasse Station در برلین شرقی واقع بود؛ اما به عنوان یک ایستگاه برای عوض کردن خط برای مسافرانی که می‌خواستند به دیگر مناطق در برلین غربی بروند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. مسافران همچنین در این صورت داشتن مجوز، می‌توانستند در این ایستگاه وارد برلین شرقی شوند. ایستگاه Bornholmer Strasse نیز، ایستگاهی بود که هم قطارهای برلین غربی و هم قطارهای برلین شرقی از آن عبور می‌کردند؛ اما نه در یک خط. در واقع قطارهای هیچ یک از دو طرف در این ایستگاه توقف نداشتند و دو خطی که از آن عبور می‌کردند توسط یک فنس بلند از یکدیگر جدا می‌شدند. ایستگاه Wallankstrasse نیز دیگر در سمت راست مرز واقع بود. در این ایستگاه خروجی‌هایی وجود داشت که برخی از آنها منتهی به برلین غربی می‌شدند و برخی به برلین شرقی. خروجی‌های منتهی به برلین غربی باز بودند و مردم می‌توانستند آزادانه از آنها عبور کنند. اما خروجی‌های منتهی به خیابان‌های برلین شرقی بسته بودند. پس از فروپیزی دیوار برلین و بازگشایی «ایستگاه‌های روح»، نخستین افرادی که از آنها استفاده کردند متوجه شدند آنها درست مثل مانند سال ۱۹۶۱ دست نخورده باقی مانده بودند؛ با همان تابلوها و آگهی‌های روی دیوارها!



## نگاهی به سیاست پاکستان در مذاکرات صلح افغانستان

محمد اکرام اندیشمند

بخش چهارم

مرحله سوم مذاکرات طالبان با امریکایی‌ها به مذاکرات مستقیم و علنی انجامید که اکنون از سوی زلمی خلیل‌زاد به عنوان نماینده وزارت خارجه امریکا برای مذاکرات صلح پیش برده می‌شود. این مرحله در واقع پس از آغاز ریاست‌جمهوری اشرف غنی در سال ۱۳۹۴ شکل گرفت. غنی در آغاز با موقف شدید علیه پاکستان گفت که پاکستان در جنگ اعلان نشده با افغانستان قرار دارد و باید هر گونه مذاکره و توافق میان دو کشور صورت بگیرد. پس از آن غنی به اسلام‌آباد سفر کرد و با میانجیگری پاکستان در ثور ۱۳۹۴ معصوم ستانکزی سرپرست وزارت دفاع با سه عضو طالبان (مولوی عبدالجلیل، محمد حسین رحمانی والی پیشین طالبان در قندهار و ملا عبدالرزاق وزیر داخله قبلی طالبان) در ارومچی چین دیدار کرد. اما طالبان این مذاکره را دوام ندادند و گفتند که مذاکره باید در قطر در دفتر آنها انجام شود.

### مرحله مستقیم مذاکرات صلح میان طالبان و امریکایی‌ها

طالبان در ۲۹ دلو ۱۳۹۶ پس از اعلان استراتژی ترامپ مبنی بر فشار بر پاکستان با ارسال نامه‌یی به دونالد ترامپ رییس‌جمهور ایالات متحده امریکا خواستار مذاکره مستقیم با امریکا شدند. سپس محمد اشرف غنی رییس‌جمهور افغانستان در کنفرانس حوت ۱۳۹۶ در کابل مذاکرات صلح بدون قید و شرط را با طالبان ارایه کرد. غنی از ۲۲ تا ۲۷ جوزای ۱۳۹۷ روزهای عید رمضان آتش‌بس یک‌جانبه اعلان کرد و طالبان تنها سه روز عید را آتش‌بس کردند. پس از آن امریکا در صدد مذاکره مستقیم با طالبان شد.

در سرطان ۱۳۹۷ آیس ولز معاون وزیر خارجه امریکا در امور آسیای جنوبی با طالبان در قطر دیدار کرد. این مذاکره با تلاش غیررسمی دو مقام متقاعد امریکایی رابین رافائل معاون وزیر خارجه امریکا و کریس کلندا سرباز سابق ارتش امریکا صورت گرفت.

در ۳۰ سنبله ۱۳۹۷ خلیل‌زاد به نماینده‌گی وزارت خارجه در مذاکرات صلح منصوب شد و مذاکره را با طالبان آغاز کرد.

اولین نشست در ۱۲ اکتوبر ۲۰۱۸ در دوحه میان خلیل‌زاد و طالبان برگزار شد. نشست دوم در ۱۶ نوامبر همین سال در دوحه، نشست سوم در ۱۷ دسمبر ۲۰۱۸ در ابوظبی و نشست چهارم در ۱۹ جنوری ۲۰۱۹ در دوحه دایر شد. پنجمین نشست خلیل‌زاد و طالبان در ۲۵ فبروری ۲۰۱۹ برابر به ۶ حوت ۱۳۹۷ در دوحه صورت گرفت. ملا برادر نیز به این نشست پیوست. طالبان اعلان کردند که هیأت ۱۴ نفری را به این مذاکرات می‌فرستند:

شیرمحمد عباس استانکزی، مولوی ضیالرحمن مدنی، عبدالسلام حنفی، شیخ شهاب‌الدین دلاور، ملا عبدالطیف منصور، ملا عبدالمنان عمری، مولوی امیرخان متقی، ملا محمدفاضل مظلوم،

ملا خیرالله خیرخواه، مولوی مطیع‌الحق، ملا محمدانس حقانی، ملا نورالله نوری، مولوی محمدنبی عمری و ملا عبدالحق وثیق.

در بین تیم جدید مذاکره کننده‌گان طالبان، نام انس حقانی، فرزند جلال‌الدین حقانی نیز وجود داشت که در زندان کابل به سر می‌برد و حکومت افغانستان او را رها نکرد. (۱۲)

دور پنجم مذاکرات طالبان با امریکایی در دوحه ۱۶ روز طول کشید که زمان آن بیشتر از چهار دور قبلی و دور بعدی ششم مذاکرات بود.

ششمین دور مذاکرات خلیل‌زاد و طالبان در اول می ۲۰۱۹ (۱۱ ثور ۱۳۹۸) در دوحه انجام یافت که ۹ روز دوام کرد و هفتمین دور مذاکرات با طالبان در روزهای آتی در دوحه ادامه می‌یابد.

زلمی خلیل‌زاد رییس مذاکره کننده امریکا در حالی که در تمام دوره‌های مذاکرات آجندای مذاکرات را شامل چهار موضوع: خروج قوای امریکایی از افغانستان و تعیین جدول زمانی این خروج، تعهد طالبان به قطع رابطه با گروه‌های تروریستی و تضمین به عدم استفاده از خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر، مذاکرات بین‌الافغانی برای توافق بر سر آینده سیاسی افغانستان و آتش‌بس سراسری و پایدار می‌گوید، اما طالبان همیشه از دو موضوع نخست به عنوان آجندای مذاکرات سخن گفته‌اند. آنچه که تا حالا از جریان مذاکرات و موضع‌گیری‌های طالبان بر می‌آید این است که طالبان به حیث یک نیروی آیدئولوژیک که دهشت‌افگنی و جنگ خود را جهاد می‌خوانند و در یک جنگ چریکی و پارتیزانی با دولت افغانستان و قوای امریکا قرار دارند، حاضر به مشارکت در قدرت سیاسی با حکومت افغانستان و گروه‌های دیگر نیستند. گسترش و تشدید جنگ طالبان در افغانستان که بن‌بست نظامی را در جنگ شکل داده است، باور قطعی به پیروزی نظامی را در آنها تقویت می‌کند. به‌خصوص که امریکایی و دو لت افغانستان و کشورهای دیگر جهان می‌گویند که افغانستان راه‌حل نظامی ندارد و این گفته طالبان به جنگ بیشتر، انتحار بیشتر و خون‌ریزی بیشتر تشویق و تشجیع می‌کند. هنری آلفرد کیسنجر دیپلمات امریکایی و مشاور پیشین امنیت

ملی ایالات متحده امریکا می‌گوید: «چریک اگر شکست نخورد، پیروز می‌شود، ارتش متعارف اگر پیروز نشود شکست می‌خورد.»  
وقتی طالبان به اشتیاق سیاست‌مداران افغانستان و امریکایی‌ها در مذاکره با خودشان می‌بینند، خود را برنده جنگ با امریکایی‌ها و حکومت افغانستان می‌دانند و به سوی افغانستان به عنوان غنیمت جنگی و جهادی نگاه می‌کنند.  
پافشاری طالبان به بحث بر سر دو موضع نخست به عنوان آجندا و توافق بر آن که منجر به خروج قوای امریکایی می‌شود، آنها را با این خروج به ارگ کابل می‌برد و مذاکرات بین‌الافغانی به‌خصوص برای یک حکومت مشترک با طالبان متفی می‌شود. بدون تردید طالبان در این موضع مورد مشورت پاکستان قرار دارند و از سوی آنها مدیریت می‌شوند.

### مذاکرات صلح افغانستان در مسکو

وقتی حامد کرزی رییس‌جمهور پیشین در سنبله ۱۳۸۴ خواستار حذف نام ۲۰ تن از رهبران قبلی طالبان از فهرست قطع‌نامه ۱۲۶۷ (۱۹۹۹) شورای امنیت ملل متحد شد، دولت فدراتیف روسیه با حذف نام سران طالبان مخالفت کرد. اما در سال‌های بعدی پاکستان موفق شد تا دیدگاه و موضع روسیه را به نفع طالبان تغییر دهد. حامد کرزی رفته رفته پس از پایان ریاست‌جمهوری که جایش را به اشرف غنی داد، به چهره قابل اعتماد و نزدیک به روس‌ها تبدیل شد و در جهت نزدیکی روس‌ها با طالبان و کسب اعتماد مسکو برای گروه دهشت‌افکن و انتحارگر طالبان تلاش کرد. روس‌ها با تلاش پاکستان و حامد کرزی، مسکو را به تریبون طالبان تبدیل کردند و از این گروه دهشت‌افکن در سطح منطقه‌یی و جهانی قباح‌زدایی کردند.

دو دور مذاکرات میان طالبان و برخی چهره‌های سیاسی منتقد حکومت افغانستان در واقع به ریاست کرزی با طالبان در مسکو دیدار و مذاکره کردند. دور اول مذاکرت در ۱۶ حوت ۱۳۹۷ (۵ فبروری ۲۰۱۹) انجام یافت. این دور مذاکرات با اعلامیه‌یی مشترک طالبان و چهره‌های سیاسی پایان یافت که در آن گفته شد این نشست در حقیقت اولین گام برای

آغاز پروسه گفت‌وگوهای بین‌الافغانی در روند صلح است. در اعلامیه به ادامه این مذاکرات تأکید گردید. کرزی که در زمان ریاست‌جمهوری‌اش بارها می‌گفت تلاش‌های جداگانه و مذاکرات جداگانه با طالبان بدون نقش محوری و رهبری کننده دولت، روند صلح را در افغانستان از مسیر اصلی‌اش خارج می‌کند، از سازمان‌دهنده‌گان و مدیران اصلی این تلاش و مذاکرات جداگانه در غیاب دولت افغانستان با طالبان بود. چهره‌های سیاسی به ریاست حامد کرزی با این مذاکرات فضای سیاسی مشروعیت را برای طالبان بیشتر فراهم کردند و گسترش دادند. ملا عبدالسلام ضعیف سفیر زمان امارت طالبان که در کابل و تحت حمایت دولت افغانستان و امریکایی‌ها زنده‌گی می‌کند و از امتیازات زیادی برخوردار است ذوق زده در صفحه تویتر خود خطاب به ملا عمر رهبر متوفای طالبان نوشت: «آنچه را گفته بودی، درست ثابت شد. کاشکی می‌بودی تا این تغییرات را می‌دیدی.» (۱۳)

دور دوم مذاکرات طالبان و چهره‌های منتقد و غیرمتنفذ سیاسی بازم به ریاست و مدیریت حامد کرزی در ۷ جوزای ۱۳۹۸ (۲۸ می ۱۹۲۰) در مسکو صورت گرفت. در این دور ملا عبدالغنی برادر که پاکستانی‌ها به فشار امریکا او را پس از هشت‌سال زندان آزاد کردند و به میز مذاکرات دوحه فرستادند، مشارکت داشت. جالب این بود که این دور مذاکرات پس از مشارکت طالبان و سیاست‌مداران منتقد از کابل در صدمین سالگرد برقراری روابط سیاسی افغانستان و روسیه صورت گرفت. آنها به‌صورت رسمی از سوی دولت روسیه دعوت شده بودند. ضمیر کابلوف سفیر روسیه در افغانستان به خبرگزاری تاس گفت: «ما از طالبان و سیاستمداران افغانستان دعوت کردیم تا در نشست صدمین سالگرد روابط دیپلماتیک افغانستان - روسیه حضور داشته باشند. آنها حق دارند و می‌خواهند بعد از این ارتباط برقرار کنند.»

دور دوم مذاکرات نیز با اعلامیه مشترک پایان یافت و طالبان مانند دور قبلی از این نشست سود بردند و از یک گروه جنگجوی انتحارگر به یک گروه سیاسی اهل تعامل با منطقه و جهان نمایان شدند.



## پیکر شهید پروفیسور عزیز احمد پنجشیری

### به خاک سپرده شد

روح الله بهزاد

ریاست حکومت وحدت ملی نیز در پیامی گفته است که عاملان شهادت استاد پنجشیری، دشمنان افغانستان هستند. در پیامی که ارگ به مناسبت شهادت استاد پنجشیری به نشر رسانده، در آن از قول محمد اشرف غنی آمده است که عزیز احمد پنجشیری از استادان «فرهیخته و دانشمند» و از شخصیت‌های «دلسوز وطن» بود که حدود هفتاد سال زنده‌گی کرد و بیشترین سال‌های «پربار» عمرش را در عرصه‌های علمی، فرهنگی و تاریخی خدمت کرد و شاگردان زیادی را به منظور خدمت به جامعه تربیت کرد.

محمد اشرف غنی در این پیام همچنان بیان داشته که شهید پنجشیری به تاریخ و فرهنگ افغانستان خدمات شایانی انجام داد و ده‌ها اثر علمی و تحقیقی از خود به یادگار گذاشته است. در اخیر پیام محمد اشرف غنی گفته شده: «طالبان با ترور و ایجاد رعب و وحشت، اراده مردم به‌ویژه دانشمندان و قلم‌به‌دستان را در راستای شکوفایی علم و فرهنگ، تضعیف نمی‌توانند». گفتنی است که پیکر پروفیسور عزیز احمد پنجشیری روز جمعه، هفدهم عقرب در منطقه قول آب چکان به خاک سپرده شد. در مراسم جنازه استاد پنجشیری هم شمار زیادی از دانشجویان، نویسندگان، استادان دانشگاه، مقام‌های حکومتی و سیاست‌مداران اشتراک کرده بودند.

#### عزیز احمد پنجشیری کی بود؟

پروفیسور عزیز احمد پنجشیری فرزند نیک محمد در سال ۱۳۲۹ هـ در ولسوالی رخه ولایت پنجشیر چشم به دنیا گشوده بود. او در سال ۱۳۳۳ شامل مکتب ابتدایی قاری حمید الله شد، در سال ۱۳۳۹ شامل لیسه تجارت و در سال ۱۳۴۲ از لیسه تجارت فارغ گردید. شهید پنجشیری در سال ۱۳۵۰ مدرک کارشناسی در رشته تاریخ و جغرافیا از دانشکده ادبیات و علوم بشری دانشگاه کابل به دست آورد. او در سال ۱۳۵۱ در همین دانشکده به عنوان نامزد «پوهالی» تقرر حاصل کرد و در نهایت در اثر خدماتش به رتبه علمی «پوهاند» نایل گردید.

عزیز احمد پنجشیری در کنار خدمت در نهادهای تحصیلاتی، به عنوان ائمه فرهنگی در برخی سفارت‌خانه‌های افغانستان در کشورهای خارج، مشاور در شهرداری کابل، وزارت اطلاعات و فرهنگ و به عنوان عضو در کمیسیون‌ها و کمیته‌های مختلف نیز ایفای وظیفه کرده است. از او تا کنون ۳۰ اثر علمی و فرهنگی مکتوب و ده‌ها مقاله علمی و روزنامه‌ی منتشر شده است.

سرحادات سیاسی افغانستان، مجسمه‌های بودا در افغانستان، شمه‌ی از تاریخ و تمدن اسلام، معبد ترون پازور، مثنی سیاسی و خارجی دولت اسلامی افغانستان، اهمیت ژئوپولیتیکی افغانستان، امتحانات و تقسیمات ملکی افغانستان، خط‌السیر هیوان ستانگ در افغانستان، اهمیت اقتصادی و تاریخی دریای هلمند، کروئولوژی رویدادهای تاریخی افغانستان، افغانستان و استراتژی ابرقدرت‌ها، سیر تاریخی، سیاسی و مدنی افغانستان، افغانستان، وضعیت فعلی و راه‌حل‌ها، افغانستان در مسیر راه ابریشم، پیشینه تاریخی حفظ محیط زیست در افغانستان، نجوم و نقش خراسانیان در انکشاف آن و مجرای قدیم و نقش تجارتن دریای آمو، نام برخی از آثار چاپ شده شهید عزیز احمد پنجشیری است که برخی از آنان در دانشگاه‌ها به عنوان کتاب‌های درسی نیز استفاده می‌شود.

پروفیسور عزیز احمد پنجشیری، تاریخ‌نگار، باستان‌شناس و استاد دانشگاه کابل روز سه‌شنبه هفته گذشته هنگام سفر به طرف ولایت کندز در مسیر راه از سوی افراد مسلح ناشناس در ولسوالی «بغلان مرکزی» ولایت بغلان کشته شد. مسوولان امنیتی ولایت بغلان مسوولیت این رویداد را به طالبان نسبت می‌دهند. سخنگوی فرماندهی پولیس بغلان گفته است که آقای پنجشیری را طالبان در مسیر راه از موتر پایین کرده و سپس با شلیک گلوله به شهادت رسانده‌اند. ذبح‌الله مجاهد در یک رشته توییت دست داشتن افراد طالبان در شهادت استاد پنجشیری را رد کرده است.

عزیز احمد پنجشیری، از چهره‌های مطرح و شناخته شده فرهنگی افغانستان بود. شهادت او هم بازتاب گسترده‌ی در افغانستان داشته است. از شهروندان و دانشجویان گرفته تا سیاست‌مداران و اهل فرهنگ افغانستان از این حادثه ابراز تأسف کرده و درگذشت او را ضایعه بزرگ خوانده‌اند.

احمدولی مسعود، رییس عمومی بنیاد شهید مسعود در واکنش به شهادت استاد پنجشیری در صفحه رسمی فیسبوکش نوشته است که تداوم «سیاست حذف و قتل‌های زنجیره‌ی فرهیخته‌گان علمی سیاسی، علمای دینی، فرماندهان جهاد و مقاومت، بزرگان قومی، افسران امنیتی و نخچه‌گان سایر اقشار» افغانستان، اصولاً در قالب برنامه‌های استراتژیک دیگران پیاده می‌شوند تا زدوبندهای بی‌رویه ایدئولوژیک افغانی.

آقای مسعود افزوده است: «در میان شعله‌های جنگ، انفجار و انتحار که شاخ و برگ درخت توئمند این سرزمین را می‌سوزانند، ادامه پالیسی تکنشانه گرفتن نخچه‌گان افغانستان، سوزاندن ریشه‌های این آب و خاک می‌باشد. از میان برداشتن استاد کاظمی شهید با جمعی از سرآمدان کشور تا شهادت استاد عزیز احمد پنجشیری شهید، چهره‌هایی که حضورشان فراتر از قالب‌های تنگ ایدئولوژیک افغانی، قومی، گروهی بود، با ابزار طالبانی، متعلق به بازیگران بیرونی می‌باشند».

احمدولی مسعود در اخیر یادداشتش نوشته است، اکنون آنانی که از سر آگاهی یا ناآگاهی از طالبان تقاضای توقف جنگ را دارند، هیچ می‌دانند که مخاطبشان کیست؟ یا با پشت کردن به مردم و پنهان شدن پشت بازی دیگران، در تلاش منفعت بی‌قیمت شخصی، گروهی یا قومی خود، باعث تداوم همیشه‌گی رنج یک ملت می‌شوند؟

در سوی دیگر، رییس اجرایی حکومت در واکنش به شهادت استاد پنجشیری گفته است که افغانستان یکی از شخصیت‌های «اثرگذار، دانشمند و آگاه» خود را از دست داد. دکتر عبدالله در پیامی گفته است که شهادت استاد پنجشیری یک «ضایعه جبران‌ناپذیر و باورنکردنی» بود. به گفته رییس اجرایی: «تروریستان با شهید ساختن این چهره علمی و فرهنگی کشور، بار دیگر دشمنی‌شان را با علم، دانش و آگاهی به نمایش گذاشتند». در پیام دکتر عبدالله همچنان گفته شده که استاد پنجشیری، یک باستان‌شناس و تاریخ‌نگار «شهیر» افغانستان بود و خدمات ارزش‌مندی در راستای پاسداری از میراث فرهنگی و تاریخی کشور به جا گذاشته است.

در عین حال، مسوولان دانشگاه کابل هم در پیامی، عاملان ترور استاد پنجشیری را «دشمنان علم و وطن» عنوان کرده و گفته اند که شهادت او، «ضایعه بزرگ به جامعه علمی و آکادمیک و به‌ویژه برای خانواده دانشگاهی و دست‌اندرکاران تحصیلات عالی» است.



## زنگ بحران انتخاباتی به صدا درآمد!

هارون مجیدی

خلاف قانون و کارشیوه، کلید زن بحرانی عمیق‌تر انتخاباتی نخواهد بود؟! هر زمانی که این شمارش بدون در نظر گرفتن قوانین آغاز شود، بازده آن مورد قبول نامزدانی که در پی به نتیجه رسیدن انتخابات از مسیر آرای شفاف هستند، قرار نمی‌گیرد و معلوم نیست بحران برآمده از دل این تصمیم، آینده افغانستان، آینده دموکراسی و پروسه انتخابات در کشور را چگونه رقم خواهد زد. بدون شک مقصر اصلی به میان آمدن این وضع کمیسیون انتخابات و کسانی اند که با زیر پا گذاشتن قانون و اصول کاری سرنوشت انتخابات را به کُزراهه می‌برند.

اعضای کمیسیون انتخابات باید از بدنام شدن و سرنوشت اعضای پیشین این کمیسیون بیاموزند و چنانی که در روزهای پس از گزینش خود گفته بودند که اعتماد از دست رفته مردم به انتخابات دوباره سازی می‌کنند و نمی‌گذارند این پروسه مردم بیش از خوار شود، بر این گفته خود ایستاد بمانند و سرنوشت مردم و آینده افغانستان را به بازی نگیرند. با توجه به وضعیت کنونی و تلاش‌ها برای از سرگیری مذاکرات صلح که به باور برخی از کارشناسان، منتظر اعلام نتیجه انتخابات است، اگر کمیشنران نتوانند بن‌بست به وجود آمده را ختم به خیر کنند، چالش‌های بزرگی را برای افغانستان رقم خواهد زد که هیچ‌کسی خواستار آن نیست.

انتخابات اعلام شود، اما این نتایج به دلیل آنچه کمیسیون انتخابات «کندی انتقال معلومات در دستگاه مرکزی» خواند، به ۲۳ عقرب موکول شد. مولانا محمد عبدالله، کمیشنر کمیسیون انتخابات می‌گوید که با توجه به مشکلات موجود در کمیسیون، به نظر می‌رسد که نتیجه در ۲۳ عقرب اعلام نشود. اما کمیسیون رسیده‌گی به شکایات انتخاباتی روز پنجشنبه گذشته هرگونه تأخیر دوباره در اعلام نتایج انتخابات را غیرقابل قبول دانسته است.

کمیسیون انتخابات افغانستان دو هفته پیش اعلام کرده بود که شناسایی آرای استفاده شده تکراری، پیش از وقت و بعد از وقت تعیین شده و افراد زیر سن قانونی، توسط شرکت در مالوک آغاز شده و به زودی نتیجه آن را به کمیسیون خواهد فرستاد. در کنفرانس‌های خبری بعدی کمیسیون انتخابات میزان آرای معتبر که توسط شرکت در مالوک اعلام شد، یک میلیون ۸۲۹ هزار و ۱۰۷ رای اعلام شد و همچنین این شرکت از قرنطینه کردن ۱۳۷ هزار رأی دیگر نیز خبر داده بود. کمیسیون رسیده‌گی به شکایات‌های انتخاباتی نیز دستور داده که آرای ۲ هزار و ۱۱۸ محل رأی‌گیری باید بازشماری و نتیجه انتخابات در زمان تعیین شده اعلام شود. حوا علم نورستانی، رییس کمیسیون انتخابات هم به تازه‌گی گفته است که تأخیر در روند بازشماری آرای انتخابات را به بحران می‌برد. اما بانو نورستانی نگفت که آیا شمارش

انتخابات ۶ میزان هر روز آستن اتفاقات جدیدی است، اتفاقاتی که به باور نهادهای ناظر، اعضای ستادهای انتخاباتی و حقوق‌دانان، کلید بحران انتخاباتی را رقم خواهد زد. بحران‌های که زرمه‌های آن با تأخیر در اعلام نتایج ابتدایی این انتخابات آشکار شد و تصمیم‌گیری تازه شماری از کمیشنران این کمیسیون مبنی بر شمارش آرای بی‌پایومتریک رنگ جدی‌تر به آن داده است. وجود اختلافات و چنددسته‌گی میان کمیشنران کمیسیون انتخابات و دبیرخانه این کمیسیون سبب شده کارهای کمیسیون به درستی دنبال نشود و برخی از کمیشنران، برخلاف قانون و کارشیوه‌های رفتاری خود تصمیم‌های تازه‌ی اتخاذ کنند و نگرانی‌ها از به میان آمدن بحران انتخاباتی شبیه انتخابات ۲۰۱۴ را بیشتر سازند. در کنار این، کمیسیون انتخابات افغانستان از فشار برخی ستادهای انتخاباتی بر این کمیسیون خیر داده و گفته است که این فشارها، موجب تأخیر دوباره در اعلام نتایج اولیه انتخابات خواهد شد؛ موضوعی که افغانستان را با چالش‌های بیشتری مواجه می‌سازد. یکی از اعضای کمیسیون انتخابات اعلام کرده که نتایج اولیه انتخابات ریاست‌جمهوری به دلیل مشکلات در کمیسیون به تاریخ ۲۳ عقرب اعلام نخواهد شد. نتایج اولیه انتخابات براساس تقویم کمیسیون انتخابات قرار بود ۲۱ روز پس از برگزاری

